



باشگاه ادبیات | Facebook

«جنگ اصفهان»، در میان جنگ‌ها و گاهنامه‌ها و فصلنامه‌هایی که در دههٔ چهل در شهرستان‌ها منتشر می‌شد، جایگاه ویژه‌ای دارد. صاحب‌قلمانی که با این جنگ همکاری می‌کردند یا از نامداران آن سال‌ها بودند و یا بعدها از نامداران شدند..

هر چند خصلت «نفی دیگران»-نه به شکل رایج در محضر برخی از نامداران-در این جنگ نیز کم و بیش به چشم می‌خورد، اما تلاش دست‌اندرکاران «جنگ اصفهان» را در چاپ و انتشار آثار خوب نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

«جنگ اصفهان» از نخستین دفتر نشان می‌دهد که می‌خواهد از هیاهو و جنجال روز پرهیز کند و فضایی باشد برای عرضهٔ آثار ماندنی و نه دور انداختنی. اگر چه گردانندگان «جنگ» به ندرت از محدودهٔ «اصفهان» فاصله می‌گیرند و برای عرضهٔ آثار صاحب‌قلمان مناطق دیگر تلاش می‌کنند، اما شاید انتشار نشریه‌ای در یک شهر در درجهٔ اول برای عرضهٔ آثار قلم به دستان همان شهر است و بعد شهرهای دیگر. از طرفی در آن سال‌ها در بسیاری از شهرها و استان‌ها، ماهنامه یا گاهنامه‌ای منتشر می‌شد و نیازی نبود که صاحب‌قلمان شهرهای دیگر برای چاپ و انتشار آثارشان به «جنگ اصفهان» روی آورند.

باری... دفتر اول «جنگ» با شهرهایی از سرود یکم «گات‌ها» آغاز می‌شود که می‌تواند «مقدمه» و «اول دفتر» به حساب آید. نخستین مطلب «جنگ»، در واقع، شعری است از محمد حقوقی.

مطالب دفتر اول «جنگ» به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش اول شعرهایی از اورنگ خضایی، روشن رامی، م. رستمیان، هوشنگ گلشیری، مجید نفیسی، ادوین آرابینگتن رابینسون؛ بخش دوم داستان‌هایی از محمد کلباسی، ه. گلشیری، رومن گاری، ارنست همینگوی؛ و بخش سوم نقد قدرت‌الله نیزاری بر مجموعهٔ شعر «چاپار» سیاووش مطهری و نقد محمد حقوقی بر منظومهٔ «خاک» م. ع. سپانلو.

آغازگر و مقدمهٔ دفتر دوم «جنگ» بخش کوتاهی از «حرف‌های همسایه» ی نیما یوشیج است؛ و مطالب جنگ با شعری از منوچهر آتش آغاز می‌شود.

شعرهایی از محمد حقوقی، یدالله رؤیایی، هوشنگ گلشیری، زوریک میرزایانس، یوکنی یوتشنکو؛ داستان‌هایی از بهرام صادقی، محمد کلباسی، جیمز تربر، ارنست همینگوی؛ قسمت‌هایی از نمایشنامه‌های «ننه دلاور» برتولت برشت ترجمهٔ مصطفی رحیمی. «خدا و شیطان» ژان پل سارتر ترجمهٔ ابوالحسن نجفی و نمایشنامهٔ تک پرده‌ای «ساعت دشوار» از پار لاگروکیست ترجمهٔ احمد گلشیری از دیگر مطالب این دفتر است.

در بخش پایانی این دفتر مقاله‌ای است تحت عنوان «حاشیه‌یی بر مسئله‌ی خاورشناسی» نوشتهٔ جلیل دوستخواه که در بخشی از آن آمده است: «... خاورشناسان راستین، آنها هستند که استعداد سرشار خود را وقف پژوهش در یک رشته یا چند رشته‌ی مربوط به هم از مجموعه‌ی مسائلی که تحت عنوان خاورشناسی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، می‌سازند و از خودنمایی و نیرنگ‌بازی و خود را همه فن حریف و ذوق‌نوشان دادن، پرهیز می‌کنند ...» نویسنده آنگاه از دغلكارانی سخن به میان می‌آورد که به نام «خاورشناس» دربارهٔ همه چیز تحقیق و تتبع می‌کنند، و همین‌طور از «گروه جوان و به اصطلاح متجدد خاورشناسان» که «دربارهٔ هنر و شعر و داستان امروز» مقاله و رساله می‌نویسند اما از آنچه در کشور ما می‌گذرد، بی‌خبرند. و سرانجام، پس از ارایهٔ نمونه‌هایی، نتیجه می‌گیرد که: «... ما هرگز دچار تعصب و تنگ نظری نیستیم و همچنان که در گذشته کارهای والا و گرانقدر دانشمندان راستین و پر مایه را با سپاس و آفرین پذیرفته‌ایم، در آینده نیز هرگاه کسی از بیگانگان با داشتن شرایط لازم و کافی دست به تحقیقی بزند که بتواند از عهده‌ی آن برآید و برآستی چیزی بر گنجینه‌ی ما بیفزاید، ما حق او را زیر پا نخواهیم گذاشت و بدون در نظر گرفتن نام و عنوان و ملیتش صمیمانه از او قدردانی خواهیم کرد» ...

دفتر سوم «جنگ» با بخش «نقد و بررسی» آغاز می‌شود. نخستین مطلب این دفتر «دربارهٔ شعر و نثر» است که در مقدمهٔ آن آمده است: «در ادب گرانسنگ گذشتهٔ ما مرز میان اقلیم شعر و نثر چندان روشن نیست. از این رو بسیاری از ناظران با دستاویز وزن و قافیه، به زمرهٔ شاعران درآمده‌اند و شاعران راستین نیز با قید و بندهای آنچنانی گاهی از عروج و عوالم شاعری بازمانده‌اند ...» و بعد نمونه‌هایی از آنچه از گذشته تا امروز - (از چهار مقاله تا مقالهٔ شاعری پرویز نائل خانلری) دربارهٔ شعر و نثر نوشته شده - نقل شده است.

«سارتر و ادبیات» مطلب بعدی است، و ترجمه قسمتی از فصل اول کتاب « ادبیات چیست؟ » اثر ژان پل سارتر تحت عنوان «شعر و نثر» از ابوالحسن نجفی.

نقد مفصلی نیز تحت عنوان «کی مرده، کی بچاست؟» از محمد حقوقی در قسمت پایانی این دفتر آمده است که نویسنده در حاشیه توضیح داده است: «حرف‌هایی که می‌خوانید، قسمت‌های تنظیم شده‌ایست از کتاب چاپ نشده «شعر و شعر امروز» که به بهانه انتشار مجموعه‌های اخیر نیما، آزاد، امید، بامداد، رؤیا در آمده است.

در این حرف‌ها سعی شده است که بی‌شائبه هر غرضی و صرفاً بخاطر رهایی از این بلبشوی وحشتناکی که مشمول صفحات «رنگین‌نامه»ها و «جزوه»هاست، شعر امروز، مورد تحلیل و بررسی مستدل قرار گیرد؛ بدین امید، که نقطه شروعی شود برای ادامه نظریات صاحب‌نظران، و نه مغرضان و منحرفانی که به هر صورت ماهیت خود را نشان داده‌اند. »

در این نقد نویسنده شعر امروز را از چند حالت جدا نمی‌داند:

1- شعرهای دوره‌پی:

که نتیجه شعار و احساسات اجتماعی است.

2- شعرهای گمراه:

که نتیجه انحراف از فضای شعر و نیمایی است.

3- شعرهای مغشوش:

که نتیجه سرگردانی، نامجوئی، رضایت و خامی است.

4- شعرهای پیشرفته:

که نتیجه تنفس در فضاها، شعر نیما، کشف و دانایی است.

و بعد هر یک از این حالت‌ها را با ذکر مثال‌های متعدد شرح می‌دهد.

از دیگر مطالب این دفتر، شعرهایی از منوچهر آتشی، م. آزاد، محمد حقوقی، اورنگ خضایی، هوشنگ گلشیری، مجید نفیسی؛ «فدریکو گارسیا لورکا» نوشته ژ.ل.خی لی و شعرهایی از این شاعر به ترجمه احمد گلشیری، « شعر آفریقا» از ه. گ.، « مرگ و زندگی یک سه ورینو» از گابریل دوملو ترجمه سیروس طاهباز، « ویرانه‌های مدور» از خورخه لوئیس بورخس ترجمه احمد میرعلائی، معرفی «کلودروا» و داستانی از او به ترجمه ابوالحسن نجفی، شعرهایی از آدوم یاراجانیان (سیامانتو) به ترجمه هراند فوکاسیان را می‌توان نام برد.

شعر «شکارنی» منوچهر آتشی را از این دفتر نقل می‌کنیم:

تصویر ماهتاب،

وحشی تر از گوزن گرفتاری بود

در آب.

نیزار سبز ساحل «موند»

با هاپهوی ما

خالی شد از گرازان

و قوچ‌های کوهی - از آبخور رمیده-

بازآمدند

با بانگ آشنایی بوی ما.

صیادهای چابک

هر ساله - سالروز نخستین آواز کومه را-

به شکار نی می‌آیند.

اینک اجاق‌هاشان

-که دشت را مشبک کرده- !

آواز زندگی را

بر پهنه بیابان...

مرموز می‌سرایند.

در این دفتر همچنین مطلبی تحت عنوان «نقالی، هنر داستان‌سرایی ملی» به چاپ رسیده است که از جمله مطالب خواندنی است. بخش اول این مطلب مصاحبه‌ای جلیل دوستخواه با مرشد عباس زریری است. مرشد عباس زریری که «یکی از بازماندگان انگشت‌شمار داستان‌سرایان پیشین» است در پاسخ سؤال «سابقه هنر نقالی یا داستان‌سرایی ملی به چه زمانی می‌رسد و آغاز آن چگونه بوده است؟» می‌گوید: «البته مدرک صحیحی در دست نیست اما تصور می‌رود که پیش از صفویه این هنر بدین صورت که می‌شناسیم مرسوم نبود است. کار نقالی به صورت کم و بیش شبیه امروز از زمان شاه اسماعیل صفوی شروع شد و خود اسماعیل مشوق و مروج بزرگ آن بود و مقصودش هم در اصل رواج و رسوخ مذهب شیعه اثنی عشری بود در ذهن و روح مردم و برای این کار هفته سلسله را مأمور کرد که هر کدام در جایی و به لباسی و به طرزی جداگانه مقصود او را تبلیغ کنند و مثلاً بعضی مداحی ائمه را می‌کردند و بعضی در زورخانه‌ها شعر می‌خواندند و دسته‌یی مانند قاضی‌های قشونی برای قشون سخن‌سرایی می‌کردند و آداب شریعت و رسوم ملی و پهلوانی را می‌گفتند و همه این دسته‌ها برای آن که مردم را به سخن خود جلب کنند و مدح و ثنایی که از آل علی می‌کنند توی ذوق مردم نخورد، ناچار داستان‌ها و روایات پهلوانی را چاشنی سخن خود می‌کردند و رفته رفته این کار، یعنی داستان‌گویی، خودش رواج گرفت و بعدها دیدند که خیلی اهمیت دارد.»

در بخش دوم این مطلب، بخشی از داستان رستم و سهراب به نقل از مرشد عباس زریری که در کافه گلستان روی نوار ضبط شده آمده است که، به ویژه، برای آشنایی با شیوه داستان‌سرایی و تکیه کلام‌های نقالان و داستان‌سرایان از مآخذ بسیار مهم است.

«جنگ اصفهان» - برخلاف تمامی نشریات که در نخستین شماره از راه و هدف و مشکلات کار خود سخن به میان می‌آورند - تا دفتر چهارم در این باره سکوت می‌کند و در دفتر چهارم سرمقاله گونه‌ای به چاپ می‌رساند که در بخشی از آن آمده است: «... شاید تا کنون دانسته شده باشید که «جنگ اصفهان» مجله‌ای نیست که به همه رشته‌های هنری و ادبی امروز یا دیروز پردازد؛ صلاحیت و امکانات نویسندگانش بسیار محدود است و خود، بیش از پیش از هر کس دیگر، به این ناتوانی آگاه و مقرر. اما به هر زمینه‌ای که روی آورند باری می‌خواهند هر چه بیشتر پیشتر روند. به عبارت دیگر: لحظه‌ای از آموختن نماند هم آموختن و هم آموزاندن؛ که هدف این نشریه است (اگر بتوان هدف مشخصی بر آن نمود). نه تنها هدف این نشریه که هدف هر کس که به راهی جدی گام برمی‌دارد؛ تعلیم و تعلم متقابل و این بدان معناست که «جنگ» به همکاری خوانندگانش نیازمند است، چه در خواندن (و خواندن به معنای عمیق کلمه شرکت در خلق اثر است) و چه در نوشتن مقالات با ارزشی که موافق خط مشی این نشریه باشد همواره به گرمی پذیرفته خواهد شد.

این بود هدف «جنگ». اما موضوع کار «جنگ» ادبیات است، یعنی شعر و نثر، یا روشن‌تر: شعر و داستان و تحقیق ...» و بعد نویسندگان درباره شعرها و داستان‌ها و مقالات تحقیقی و نمونه‌هایی از ادبیات عامیانه که در جنگ به چاپ رسیده است، سخن به میان می‌آورد و ملاک انتخاب آنها را برای انتشار شرح می‌دهد.

«شعر چیست؟» نوشته ژرژمپیدو به ترجمه ابوالحسن نجفی نخستین مقاله این شماره «جنگ» است. در این مقاله نیز، مثل بسیاری از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده پاسخ روشنی به سؤال «شعر چیست؟» داده نشده است:

«... شعر چیست؟ کیست آنکه بتواند به این سؤال جواب گوید؟ روح چیست؟ می‌توان در تن آدمیزاده‌ای همه تجلیات حیاتی را دریافت و تشریح و توصیف کرد. نیز می‌توان - چنانکه ما همه در مدرسه کرده‌ایم - شعری را تجزیه و تحلیل کرد و ساختمان و لغات و وزن و قافیه و آهنگ آن را باز نمود. ولی نسبت این امور به شعر مانند نسبت قلب تپنده است به روح. یعنی تجلی برونی است، نه تعریف است و نه حتی توضیح. پس اگر من بخواهم منظومه‌ای یا حتی شنیدن بیتی خواننده یا شنونده را ناگهان تکان دهد، او را از خود به در آورد و به عالم رؤیا افکند یا، برعکس، او را وادارد که هر چه ژرف‌تر در خود فرو رود تا جائی که با نفس هستی و سرنوشت روبرو شود، از روی این علائم و آثار می‌توان تفوق شعر را بازشناخت» ...

«مقایسه شعر فرانسوی و انگلیسی» از سن ژون پرس ترجمه ابوالحسن نجفی، «شعر نو یا آنسوی اصل آقامنشی» از ا. الوارز ترجمه احمد میرعلایی، شعرهایی از سن ژون پرس و رنه شار ترجمه ا.ن، شعرهایی از استفن اسپندر، لوئیس مک نیس، ادوین میوئر ترجمه احمد گلشیری، «چرامی‌نویسم؟» از جورج اورول ترجمه عبدالحسن آل‌رسول، «جنوب گرم» از شاپور قریب، «اطاق عقبی» از تقی مدرسی، «شب شک» از هوشنگ گلشیری، شعرهایی از مهدی اخوان ثالث، اورنگ خضایی، م. ع. سپانلو، محمدرضا شیروانی، مجید نفیسی، ضیاء موحّد، طاهر نوکنده، دو شعر از محمد حقوقی و هوشنگ گلشیری در سوگ فروغ فرخ‌زاد، و مقاله بلندی تحت عنوان از «هوای تازه» تا «ققنوس در باران» و ... از دیگر مطالب این دفتر است.

دفتر پنجم «جنگ» با مقاله‌ای درباره «داستان» آغاز می‌شود. در بخشی از این مقاله آمده است: «در این نیمه دوم قرن بیستم، متداول‌ترین و بارورترین انواع ادبی داستان است. داستان، که در گذشته برای سرگرمی و ارضاء سهل و ساده قوه تخیل یا احساسات به کار می‌رفت، امروز مقاصد و مسئولیت‌ها و اضطراباتی را بیان می‌کند که تا دیروز برعهده حماسه، وقایع‌نگاری، رسائل اخلاقی، عرفان و تا اندازه‌ای شعر بود. اما علت وجودی داستان را، بیش از هر چیز، در بیان «زندگی روزمره» باید جست: در حقیقت هیچ یک از انواع ادبی نمی‌تواند بیش از داستان به زندگی جاری آدمیان، در جلوه‌های عادی و غیرعادی‌اش، و حتی خارق‌العاده‌اش، نزدیک شود....»

این شماره «جنگ اصفهان» چنانکه در گذشته وعده شد، بیشتر وقف داستان است. علاوه بر نمونه‌های متعددی از آثار داستان‌نویسان معاصر در زمینه‌های مختلف (داستان کوتاه، نمایشنامه، لال بازی، نقالی)، نیز بحث مشروحی

در آخر دفتر هست که داستان‌های با ارزش - و متأسفانه انگشت شمار - سی ساله اخیر ما را بررسی و حلاجی می‌کند»

بعد از سرمقاله، داستان‌هایی از هوشنگ گلشیری، تقی مدرسی، محمد کلباسی، علیرضا فرخ‌فال، ابراهیم گلستان، یک لال‌بازی از محمدرضا شیروانی، «داستان گرشاسب» به روایت مرشد عباس زیری، «رافضی یا روح آشفته» از آلبر کامو ترجمه ابوالحسن نجفی، و «بی چرا» یک نمایشنامه تک پرده‌ای از جان وایتینگ ترجمه احمد میرعلایی به چاپ رسیده است. مقاله بلند «سی سال رمان‌نویسی» نوشته هوشنگ گلشیری نیز در بخش پایانی این دفتر آمده است.

شعرهایی از م. آزاد، محمد حقوقی، اورنگ خضایی، یدالله رؤیایی، محمود سجادی، محمدرضا شیروانی، هوشنگ گلشیری، ضیاء موحد، مجید نفیسی، هفت شعر از گالوست خاننس ترجمه هrand قوکاسیان، «حاشیه‌پی بر شعر خاننس» از محمد حقوقی و «مستر فارینگتون و مسیو بلان» نوشته کلود اولین ترجمه ابوالحسن نجفی از دیگر مطالب این دفتر است.

دفتر ششم «جنگ» در واقع ویژه شعر است، برای اینکه از این دفتر دویست و یک صفحه‌ای بیش از صد و بیست صفحه به شعر اختصاص داده شده است.

در بخشی از یادداشت آغاز دفتر آمده است: «... بسیاری پنداشته‌اند که بر مبنای مقالات و نقدهایی که در زمینه شعر در شماره‌های پیشین «جنگ» به چاپ رسیده است مسئولان جنگ را عقیده‌پی خاص درباره شعر است و از این رو تنها به شعرهایی توجه می‌شود که با آن معیارها توافق داشته باشد. توضیحا باید گفت اگر نظری مخصوص درباره شعر باشد، که هست، آنچنان هم که تصور شده است نظری تحمیلی نبوده و نیست، و از این پس هم سعی خواهد شد که چنین نباشد. و این تصمیم نتیجه تجربه‌پی ست که در طول سه سال انتشار جنگ حاصل شده است ...» و بعد نویسنده، پس از شرحی درباره شعرهایی که به «جنگ» رسیده و یا در «جنگ» به چاپ رسیده است، از شاعران، به ویژه تازه‌کارانی که به دور از جنجال کار می‌کنند، می‌خواهد که برای «جنگ» شعر بفرستند.

نخستین مقاله این دفتر «نویسنده و خواننده» نوشته ژان پل سارتر ترجمه دکتر مصطفی رحیمی است.

«زبان شعر، جان کلام» از یدالله رؤیایی، «جریان تازه ای در شعر فرانسه» از آلن لانس همراه نمونه‌هایی از شعر ژاک ربو، فرانک ونای، ژرالد نوو، ژان پرول، برنار وارگافیک، هانری دولوی و آلن لانس ترجمه رضا سید حسینی، «مثلث شعر» از س. ک. استید ترجمه عبدالحسین آل‌رسول، «سنگ آفتاب» از اکتاویو پاز ترجمه احمد میرعلایی؛ شعرهایی از ا. بامداد، م. ع. سپانلو، م. آزاد، محمد حقوقی و مقاله بلندی تحت عنوان «از سرچشمه تا مصب» (نگاهی دیگر به شعر امروز با یاد از «فروغ») نوشته محمد حقوقی؛ داستان‌هایی از هوشنگ گلشیری، محمد کلباسی و فصل اول کتاب «پاک کن‌ها» اثر آلن روب‌گریه ترجمه ابوالحسن نجفی از دیگر مطالب این شماره است.

سطرهایی از آغاز مقاله «مثلث شعر» را در اینجا نقل می‌کنیم:

«... می‌توان گفت که شعر درون مثلثی جا دارد که دو رأسش شاعر و شنوندگانش به یکدیگر کاملاً نزدیک باشند و واقعیت در فاصله‌ی دوری از آنان باشد، این دراز شدن مثلث شعر، درونش را خفه می‌کند و پس از گذشت زمان معلوم می‌گردد که آن شعر حاصل سازش میان شاعر و مردم در خودفریبی است. و گاه می‌بینیم که شاعر به «واقعیت» بسیار نزدیک شده و این هر دو از رأس شنوندگان و مردم چنان دور افتاده‌اند که باز مثلث دراز و بی قواره گشته است. در این صورت پس از گذشت زمان محتملاً گفته خواهد شد که شاعر «از دوران خود پیشتر» بوده است. لیکن فاصله‌ی زیادش از مردم باعث شده است تا مانند بلیک زور به صدایش بیاورد. در هر دوره - اگر این استعاره مثلث را تطبیق دهیم - البته به تفاوت‌های بسیاری بر می‌خوریم، ولی ظاهراً بهترین اشعار هر دوره آنهایی است که در یک مثلث متساوی‌الاضلاع جای می‌گیرد. مثلث متساوی‌الاضلاعی که در آن هر رأس در حالت تعادل کامل با کنشش دو رأس دیگر به فاصله‌ی مساوی از آنها قرار دارد» ...

دفتر هفتم «جنگ» به سه بخش تقسیم می‌شود: شعر، داستان، نمایشنامه و نقد و بررسی.

در این دفتر شعرهایی از احمد شاملو، منوچهر آتشی، امیرحسین افراسیابی، فرشید پگاهی، محمد حقوقی، محمدرضا شیروانی، هوشنگ گلشیری، ضیاء موحد، مجید نفیسی، محمدرضا فشاهی؛ داستان‌هایی از میهن بهرامی، ناصر تقوایی، یونس تراکمه، رضا فرخ‌فال؛ نمایشنامه‌های «همانطور که بوده‌ایم» از آرتور آدامف ترجمه ابوالحسن نجفی، «سرباز از جنگ بازگشته است» از دیوید کمپتن ترجمه احمد گلشیری و «پیران و پسه، یک شخصیت استثنائی در حماسه ایران» از جلیل دوستخواه، «ادبیات چه می‌تواند بکند؟» از ژان ریکاردو و «جواب کافکا» از رولان بارت ترجمه ابوالحسن نجفی به چاپ رسیده است.

دفتر هشتم «جنگ» نیز، در واقع، به شعر و داستان و نقد اختصاص داده شده است. این دفتر با مقاله «ابهام و ایجاز» نوشته محمد حقوقی آغاز می‌شود. حقوقی در این مقاله انواع ابهام (عامل لغت و کلمه، عامل نحو و زبان، عامل علوم عصر و عامل صنایع بدیعی و فنون قراردادی، عامل اغراق و مبالغه، عامل شیوه هندی، عامل تشبیه و استعاره و عامل فضا) را با ذکر مثال و آرایه نمونه شرح می‌دهد و نیز عواملی که سبب ابهام «شعر واقعی امروز» می‌شود؛ همین طور به اختصار درباره ایجاز سخن به میان می‌آورد. این مقاله یکی از مقالات خوب دفتر هشتم «جنگ» است.

از دیگر مطالب این دفتر شعرهایی از احمد رضا احمدی، مجید نفیسی، محمدرضا فشاهی، محمدرضا شیروانی، امیرحسین افراسیابی، ضیاء موحد، اورنگ خضرای، منوچهر آتشی، محمدعلی سپانلو، محمد حقوقی؛ داستان‌هایی از محمد کلیاسی، رضا فرخ‌فال، یونس تراکمه، هرمز شهدادی، برهان حسینی و هوشنگ گلشیری را می‌توان نام برد.

در بخش دوم دفتر هشتم «جنگ» داستان «پیرمرد برسرپل» از ارنست همینگوی و نقدی بر «پیرمرد ...» از ادموند و داستان «شرل» از ویت برنت و «شرل» از ویت برنت و «شرل» در بوته نقد از ادوارد براین ترجمه احمد گلشیری به چاپ رسیده است.

بخش پایانی این دفتر ویژه خورخه لوئیس بورخس است: «دیوار چین و کتاب‌ها» ترجمه ابوالحسن نجفی، «زخم شمشیر» ترجمه احمد گلشیری، «مرگ دیگر» ترجمه احمد میرعلایی، گفتگوی ریچارد برگین با خورخه لوئیس بورخس ترجمه احمد گلشیری و ده شعر از بورخس ترجمه احمد میرعلایی از مطالب این بخش است.

دفتر نهم «جنگ» ویژه داستان است. نخستین مطلب این دفتر «آیا عمر داستان به سر آمده است؟» از سیمون دوبووار ترجمه ابوالحسن نجفی است. در بخشی از این مطلب آمده است:

... «هنگامی که من «فرزندان سانچز» را می‌خوانم، در خانه‌ام می‌مانم، در اتاقم، در همان روز و ساعتی که هست، با همان سن و سالی که دارم، با شهر پاریس گرداگردم؛ و شهر «مکزیکو» از من فاصله دارد، با زاغه‌هایش و یا فرزاندانش که آنجا دور از من زندگی می‌کنند. البته من به آنها علاقه‌مند می‌شوم، آنها با به دنیای خودم ضمیمه می‌کنم، اما خودم تغییر مکان نمی‌دهم، تغییر فضا نمی‌دهم، دنیای من همان که هست می‌ماند.

و حال آنکه کافکا، بالزاک، روب گریه مرا می‌طلبند، مرا احضار می‌کنند تا در قلب دنیایی دیگر، ولو برای یک لحظه، مستقر شوم. و این است اعجاز «داستان» که آن را از «خبر» متمایز می‌کند: زیرا که حقیقتی «دیگر» حقیقت من می‌شود و در عین حال حقیقت دیگر می‌ماند، یعنی حقیقتی که هم حقیقت دیگر است و هم حقیقت من. «من» خود را ترک می‌کنم تا «من» کسی را که سخن می‌گوید بپذیرم در عین اینکه من خودم می‌مانم ...

دفتر نهم «جنگ» در سه بخش تنظیم شده است:

بخش اول شامل داستان‌هایی از شهرنوش پارسی‌پور، غلامحسین ساعدی، بهرام صادقی، اسماعیل فصیح، هوشنگ گلشیری و تقی مدرسی.

بخش دوم شامل سه داستان خارجی؛ «الف» و «انجیل به روایت مرقس» از خورخه لوئیس بورخس ترجمه احمد میرعلایی و «موسی بدانجا برو» از ویلیام فاکنر ترجمه احمد گلشیری.

و بخش سوم تحت عنوان «نقد و نظر» شامل فصلی از کتاب «جنبه‌های گوناگون رمان» از ای. ام. فارستر ترجمه احمد گلشیری.

دفتر دهم «جنگ» ویژه شعر است.

در مقدمه این دفتر مطلبی به چاپ رسیده است تحت عنوان «درآمد» که سطرهایی از آن را در اینجا نقل می‌کنیم: «... شعر در مجموعه فرهنگ بشری مقام والایی دارد اما موضع دقیق شعر در این مجموعه چیست؟ آیا شعر شیئی زبنتی است یا چیزی سرگرم کننده؟ آیا امری لذتبخش است یا چیزی سودمند؟ ویژگی مباحث مربوط به این پرسش و پاسخ‌ها پایان‌ناپذیر بودن آنهاست و اهمیت پاسخ‌ها در این است که هر پاسخ نشان‌دهنده نگرش پاسخگو به شعر و تلقی او از شعر است. به این اعتبار همیشه این پرسش‌ها حقایق تازه‌ای را به همراه می‌آورند و نیز به همین اعتبار هیچ پاسخی را نباید آخرین پنداشت» ...

این دفتر نیز در سه بخش تنظیم شده است:

بخش اول تحت عنوان «شعرهای ایرانی» با شعرهایی از م. آزاد، یدالله رؤیایی، مجید زوارزاده، احمد شاملو، ایرج ضیایی و ضیاء موحد.

بخش دوم تحت عنوان «شعر خارجی» با شعرهایی از ریلکه، رنه شار و واسکوپوئا.

و بخش سوم تحت عنوان «نقد و نظر» با مقالاتی از ولک/وارن، برتولت برشت، داریوش آشوری، لیشمان، برن شا/استنلی، تد هیوز و ابوالحسن نجفی.

یکی از مقالات خوب این دفتر، «اختیارات شاعری» نوشته ابوالحسن نجفی است. نویسنده در این مقاله همه اختیارات شاعری را در عروض فارسی شرح می‌دهد و بر این عقیده است که «می‌توان علم عروض را ساده‌تر از آنچه هست کرد، یعنی آن را به شیوه ساده‌تری توضیح داد. به عبارت دیگر، نه واقعیت بلکه شیوه بررسی واقعیت را عوض کرد».

شعرهای واسکوپوئا به ترجمه احمد میرعلایی و مقالاتی که در زمینه نقد در این دفتر آمده است نه تنها خواندنی است بلکه از دقت نظر گردانندگان «جنگ» حکایت می‌کند.

شعر «پلنگ» ریلکه را به ترجمه سیامک مهاجر از این دفتر نقل می‌کنیم:

نگاهش گذراندن بر میله‌ها

چنان از خستگی بی نور مانده که دیگر یارای دیدن چیزیش نیست.

پندارد که گویی تنها هزار میله هست،

و در آن سویشان هرگز جهانی نبوده است.

گام زدن نرم بر توان سنگینش

که چرخشی است به گرد کوچکترین دایره‌ها

پنداری رقص قدرت است بر گرد مرکزی

که در آن اراده‌ای نیرومند سنگ شده است

تنها گهگاه که حجاب از پیش چشمانش فرو می‌افتد

خیالی بر چشمانش می‌نشیند،

تا ژرفای سکون فشرده اندام‌هایش پر می‌کشد،

آنگاه در قلبش فرو می‌ماند.

دفتر یازدهم «جنگ» با وقفه‌ای هشت ساله در تابستان ۱۳۶۰ و پس از دگرگونی‌های عمیق سیاسی و اجتماعی منتشر می‌شود. در زمانه‌ای که به گفته ضیاء موحد: «آخرین شماره جنگ مصادف شد با جریان‌های انقلاب و نبردهای چریکی و اصلاً کسی گوشش به این حرف‌های ادبی و تحقیقی بدهکار نبود. التهاب‌های سیاسی در مملکت جای همه چیز را گرفته بود.» و چنین بود که دوران حیات شانزده ساله جنگ اصفهان به پایان رسید. هر چند برخی «فصلنامه زنده رود» را ادامه منطقی «جنگ اصفهان» می‌دانند.

آخرین دفتر «جنگ اصفهان» در چهار بخش تنظیم شده است:

بخش اول با عنوان «نقد و نظر» با مقاله «شعر و تاریخ» از اکتاویو پاز با ترجمه احمد میرعلایی آغاز می‌شود. دیگر مقالات عبارتند از برزخ هنرمند/امیرحسین افراسیابی، سرودهای مانوی/جهانگیر فکری ارشاد، نقبی به سوی نور/محمود نیکبخت، طبیعت، انسانیت، تراژدی/آلن روب گریه/ترجمه ابوالحسن نجفی.

بخش دوم به «شعر» اختصاص یافته و شامل اشعاری از محمد حقوقی، رضا شیروانی، امیرحسین افراسیابی، کیوان قدرخواه، محمدعلی سپانلو، رافائل آلبرتی (با ترجمه محمود نیکبخت)، عزرا پاوند (با ترجمه احمد کریمی حکاک) است.

بخش سوم «داستان» شامل سه داستان از رضا فرخفال (برجی برای خاموشی)، برهان الدین حسینی (ایوب) و الیو ویتورینی (وقتی زمستان شروع می‌شود با ترجمه احمد میرعلایی) است.

آخرین بخش با عنوان به «داستان و نقد داستان» با قصه کوتاه سوگواری اثر آنتوان چخوف و در ادامه نقد رابرت پن وارن (ترجمه احمد گلشیری) بر این قصه آغاز شده و با قصه گراگوس شکارچی نوشته فرانتس کافکا و نقد لایونل ترلینگ (با ترجمه احمد گلشیری) خاتمه می‌یابد.

«جنگ اصفهان» در ۱۱ دفتر و ۲۰۹۴ صفحه به قطع رقعی منتشر شده است. چنین به نظر می‌رسد که «جنگ» زیر نظر محمد حقوقی منتشر می‌شده اما نام ویراستار یا گرد آورنده آن قید نشده است.

